



امام باقر(ع) با افراط و تفریط در باورهای دینی مبارزه می‌کرد

حجت‌الاسلام حسنلو مدیرگروه تاریخ مرکز پاسخگویی به شبهات، با اشاره به دوران حیات امام محمدباقر (ع) و اقدامات علمی آن حضرت گفت: مناظره اصلی‌ترین رویکرد پنجمین پیشوای شیعیان در هدایت جامعه بود.

حجت‌الاسلام حسنلو مدیرگروه تاریخ مرکز پاسخگویی به شبهات، با اشاره به دوران حیات امام محمدباقر (ع) و اقدامات علمی آن حضرت گفت: مناظره اصلی‌ترین رویکرد پنجمین پیشوای شیعیان در هدایت جامعه بود.

خبرگزاری مهر- گروه دین و آئین -فاطمه ضیافتی فرامرزی: امروز هفتم ذی الحجة سالروز شهادت امام محمد بن علی باقرالعلوم (ع) است. «باقرالعلوم» که به معنای شکافنده علوم است، برای اولین بار از سوی پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت داده شد و سال‌ها بعد و پس از ولادت مبارک امام محمدباقر (ع) لقب مذکور به عنوان ویژگی بارز پنجمین امام شیعیان نزد همگان شناخته شد.

بر آن شدیم در سالروز شهادت حضرت امام محمدباقر (ع) در گفتگو با حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه به شناخت بیشتری نسبت به سیره آن امام همام دست پیدا کنیم. حاصل این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

امام باقر(ع) با افراط و تفریط در باورهای دینی مبارزه می‌کرد

*سیره امام باقر (ع) در مواجهه با اقشار مختلف مردم چه ویژگی‌هایی داشت؟

قبل از پاسخ مقدمه‌ای را بیان می‌کنم، امام محمد باقر (ع) پیشوای پنجم شیعیان در دوران امامت خود با زمامداران و خلفای ذیل معاصر بود: ولیدبن عبد الملک (۸۶-۹۶)، سلیمان بن عبد الملک (۹۶-۹۹)، عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱)، یزیدبن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵) و هشام بن عبد الملک (۱۰۵-۱۲۵).

این خلفا به استثنای عمر بن عبدالعزیز-که شخصی نسبتاً دادگر بوده و به خاندان پیامبر (ص) علاقه داشت، همگی در ستمگری، استبداد و خودکامگی، دست کمی از نیاکان خود نداشتند و به ویژه نسبت به پیشوای پنجم شیعیان همواره سختگیری می‌کردند.

در چنین شرایطی اما وجود مبارک امام محمدباقر (ع) چون شمعی بود که جامعه از نور آن بهره‌مند می‌شد. درب خانه امام (ع) به روی مردم جهت استفاده از علوم بی‌نهایتش در این دوران تاریک باز بود و مردم به این خانه امید پناه می‌آوردند و از دریچه رحمت و علم آن امام همام بهره‌مند می‌شدند. امام محمدباقر (ع) در پذیرش مردم از دوستان تا گروه‌های مختلف اعم از دانشمندان، علما، ثروتمندان، فقرا چنان سخاوتی داشت که در وصف ایشان چنین ابیاتی سروده شد:

لو کان یوجد عرف مجد قبلهم لوجدته منهم علی أمیال
اگر مجد و بزرگواری قبل از آنها (ائمه) پیدا شود تنها در بین آنها به جهاتی این مجد دیده می‌شود
إن جئتهم أبصرت بین بیوتهم کرماً یقیق مواقف التسال
اگر به سوی آنها روان شوی بینا شوی از کرم آنها در بین خانه‌های آنها که موافق کردند.
نورالنوبة والمکارم فیهم متوقع فی الشیب والاطفال
نور نبوت و مکارم اخلاق در پیر و جوان آنها و کودکانشان، توقع می‌رود

حمایت از فقرا در آشکار و نهان

از سوی دیگر همان طور که در تاریخ آمده است، دوره حاکمیت امویان، مدینه مورد بی‌مهری بود و فقر در شهر رسول الله از بی‌داد امویان مستولی شده بود، در نتیجه امام باقر (ع) از فقرای مدینه حمایت مالی فراوانی داشت.

بهترین و نیکوترین کار نزد آن حضرت در این دنیا این بود که به برادران دینی خود صله دهد؛ هرگز از دادن صله ملول نمی‌شد، حتی به فرزند خود امام صادق (ع) سفارش کردند که [rIm&](#) بعد از خود به مردم نیازمند انفاق کنند. امام باقر (ع) شب‌ها به تمام مستمندان مدینه که شناسایی کرده بود غذا رسانده و در این امر مخفیانه عمل می‌کرد.

یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی امام باقر که تاکنون به آن پرداخته نشده است ویژگی تلاش و کوشش آن بزرگوار به منظور تأمین وضع معیشتی زندگی فردی و کمک به محرومان جامعه اسلامی بود. امام باقر (ع) همچون امامان دیگر در اوج زهد و تقوا و در نهایت عبادت و بندگی خدا، اهل کار و تلاش بوده و از اینکه دیگران زندگی اش را تأمین کنند به شدت بیزار می‌جست. چنان که وقتی محمد بن منکدر یکی از زهاد معروف عصر آن حضرت از ایشان می‌خواهد که از کار و کوشش دست بردارد و به فکر دنیا و طلب مال نباشند! و با بیان چندگونه سوال می‌کند که اگر در این حال (کار و کوشش) مرگ سراغ حضرت بیاید چه خواهد کرد؟ حضرت در جواب می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر مرگ در این حالت سراغم آید، به حق در حالت اطاعت از خدا سراغم آمده است. چون با همین کار است که خود را از تو و دیگران بی‌نیاز می‌سازم. من زمانی از خدا بیمناک هستم که هنگام معصیت و نافرمانی خدا، مرگم فرا رسد.» محمد بن منکدر می‌گوید: پس از شنیدن این سخنان به آن حضرت عرض کردم: خدا رحمت کند، من می‌خواستم شما را موعظه کنم، اما شما مرا راهنمایی کرد.

یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی امام باقر که تاکنون به آن پرداخته نشده است ویژگی تلاش و کوشش آن بزرگوار به منظور تأمین وضع معیشتی زندگی فردی و کمک به محرومان جامعه اسلامی بود

امام باقر (ع) در کنار تأمین معاش زندگی خویش، هیچ زمانی از حال محرومان غافل نمی‌شد و به دستگیری و دلجویی از مستمندان جامعه می‌پرداختند. و این در حالی بود که شرایط حاکم، فشار مالی فراوانی بر اهل بیت علیهم السلام تحمیل می‌کرد. امام صادق در این باره می‌فرماید: «پدرم با اینکه از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایین تری قرار داشتند و مخارج زندگی وی، سنگین تر از بقیه بود، هر جمعه به نیازمندان انفاق می‌کرد و می‌فرمود انفاق در روز جمعه، دارای ارزشی فزونتر است، چنان که روز جمعه، خود بر سایر روزها برتری دارد».

*با توجه به خفقان دوره اموی، نوع برخورد امام محمدباقر (ع) با مخالفان اهل بیت چگونه بود و در این میان مردم را نسبت به مواجهه با ظلم چگونه راهنمایی و هدایت می‌کرد؟

امویان پس از شهادت امام حسین (ع) بر امور مسلط شدند؛ سنن پیامبر (ص) به شدت تحت تأثیر و در معرض تحریف بود و پس از قیام و شهادت امام حسین (ع) حرکت فرهنگی ضرورت داشت؛ همچنین بیان انحراف امویان مساله مهم دیگری بود که باید تحقق می‌یافت، در چنین فضایی امام باقر (ع) برای احیای ارزش‌های دینی و پاسداری از ارزش‌ها، و به تناسب موقعیت، از راه‌ها و شیوه‌های زیر بهره‌جست:

۱- نهی از همکاری با حکومت طاغوت

امام (ع) همواره مؤمنان را از همکاری با حکومت طاغوت نهی می‌کرد و به هر طریق ممکن، این پیام خود را به گوش امت می‌رساند.

«عقبه بن بشیر اسدی» می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: من در میان قوم خود از حسبی عالی برخوردار بودم؛ قوم من در گذشته عریف (معاون و کارگزار) داشتند که جان سپرد؛ مردم تصمیم گرفتند که مرا به جای او به ریاست بگمارند، نظر شما چیست؟ آن حضرت فرمود: «فان كنت نكره الجنة و تبغضها فتعرف على قومك و ياخذ سلطان جابر بامرء مسلم لسفك دمه فتشركهم فى دمه و عسى لا تتال من دنياهم شيئا»؛ (اگر از بهشت بدت می‌آید و از آن ناخشنودی، کارگزار قوم خود شو؛ زیرا چه بسا سلطان ستمگری، مسلمانی را می‌گیرد تا خونسش را بریزد و تو [که گوشه‌ای از کار آن سلطان را بر عهده گرفته‌ای] شریک آنان در خون او خواهی بود، در حالی که ممکن است از دنیای آنها بهره‌ای نبری) و زمانی که فردی گفت: از زمان حجاج تاکنون والی بوده ام، آیا راهی برای توبه هست؟ امام سکوت کرد و بعد از تکرار سوال، فرمود: «لا، حتی تۆدی الی کل ذی حق حقه»؛ (نه، مگر اینکه حق هر صاحب حقی را ادا کنی).

همچنین یکی از شیعیان به نام «عبدالغفار بن قاسم» می‌گوید: به امام باقر (ع) گفتم: نظرتان در نزدیک شدن من به سلطان و رفتن و آمد به دربار چیست؟ فرمود: این کار را برای تو صلاح نمی‌دانم؛ گفتم: گاهی به شام می‌روم و بر ابراهیم بن ولید وارد می‌شوم؛ فرمود: «ای عبدالغفار! رفتن و آمد تو نزد سلطان سه پیامد منفی دارد: محبت دنیا در دلت راه می‌یابد، مرگ را فراموش می‌کنی، و نسبت به آنچه خدا قسمت تو کرده ناراضی می‌شوی.»

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! من عیال وارم و هدفم از رفتن به آنجا، انجام تجارت است؛ فرمود: «ای بنده خدا! من نمی‌خواهم تو را به ترک دنیا دعوت کنم، بلکه می‌خواهم گناهان را ترک کنی؛ ترک دنیا فضیلت است، اما ترک گناه فریضه و واجب است و تو در شرایطی هستی که به انجام واجبات نیازمندتری تا کسب فضائل. زمانی هم که مردم برای تبریک گفتن به والی

جدید مدینه، به خانه اش می رفتند، فرمود: خانه والی، دری از درهای آتش است.

همچنین آن حضرت فرمود: «انما عقر الناقة رجل واحد فلما رضوا اصابهم العذاب؛ فاذا ظهر امام عادل فمن رضی بحکمه و اعانه علی عدله فهو ولیه و اذا ظهر امام جور فمن رضی بحکمه و اعانه علی جوره، فهو ولی»؛ ناقة [صالح] را یک نفر پی کرد، ولی چون توده مردم به آن راضی شدند، عذاب به همه آنها رسید؛ پس هرگاه امام عادل ظاهر گشت، هر کس راضی به حکم او باشد، و او را در عدلش یاری کند، یاور او خواهد بود؛ زمانی که امام ستمگری ظاهر شود، هر کس به حکم او راضی باشد، و او را بر ستمکاریش یاری کند، یاور او خواهد بود.

۲- مبارزه رو در رو

امام صادق (ع) می فرماید: «در یکی از سال ها که هشام بن عبدالملک برای انجام مراسم حج به مکه آمده بود، امام باقر (ع) نیز در مکه بود؛ امام (ع) برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «سپاس خدایی را که محمد (ص) را به پیامبری مبعوث کرد و ما را به وسیله او کرامت بخشید؛ ما برگزیدگان خدا بر خلق اوییم و انتخاب شده از میان بندگان وی هستیم؛ ما خلفای الهی هستیم؛ پس آن کسی که از ما پیروی کند، سعادت مند است. این سخنان به گوش هشام رسید»؛ وقتی به مدینه برگشتیم، به وسیله نامه ای از کارگزارش در مدینه خواست امام (ع) را به دمشق بفرستد؛ وقتی وارد شدیم، سه روز اجازه ورود نداد؛ روز چهارم وقتی در آستانه ورود قرار داشتیم، هشام - که نفرین خدا بر او باد - به اطرافیانش دستور داد، پس از او، هر یک به امام باقر (ع) ناسزا بگویند و سرزنش کنند؛ امام (ع) وارد شد و بدون آنکه توجه خاصی به هشام کند، در جمله ای کلی به اهل مجلس گفت: «السلام علیکم»، و بدون اجازه گرفتن از هشام، در جایی مناسب، بر زمین نشست....

هشام گفت: ای محمد بن علی! همواره یک نفر از شما خاندان، وحدت مسلمانان را می شکنند و مردم را به سوی خود فرا می خواند، هشام شروع به سرزنش کرد و بعد از وی، یکایک اهل مجلس سخنان توهین آمیزی گفتند؛ امام باقر (ع) ایستاد و فرمود: «ای مردم! به کدام سو می روید و شما را به کجا می برند؟ خدا [نسل] اول شما را به وسیله ما خاندان هدایت کرد و آیندگان شما هم به وسیله ما راه می یابند؛ اگر شما پادشاهی زودگذر دنیا را دارید، ما در آینده فرمانروایی خواهیم داشت؛ پس از فرمانروایی ما هیچ حاکمیت و پادشاهی نیست؛ زیرا ما اهل فرجامیم و خدا فرموده است: «والعاقبة للمتقين».

در پی این سخنان، به دستور هشام، امام (ع) را به زندان بردند، ولی در آنجا همگان دلبسته امام شدند و بعد از شکایت زندانیان از این وضع، هشام دستور داد، امام باقر (ع) و فرزندش امام صادق (ع) را نزد وی ببرند.

وقتی وارد شدند، هشام و اطرافیانش مشغول تیراندازی بودند؛ هشام گفت: ای محمد! تو هم با بزرگان قوم من وارد مسابقه شو و تیراندازی کن؛ امام باقر (ع) فرمودند: از من گذشته است، اگر صلاح بدانی معاف باشم؛ هشام گفت: به حق کسی که ما را با دینش عزت داد و محمد را مبعوث کرد، تو را معاف نمی کنم؛ امام (ع) کمان و تیر را گرفت و تیر را پشت سر هم به هدف زد که هر یک در وسط تیر قبلی قرار گرفت و به هدف خورد؛ هشام گفت هرگز همانند کار تو را ندیده بودم و گمان نمی کنم کسی در روی زمین اینگونه تیراندازی کند؛ امام (ع) فرمود: ما کمالات و حقایق دین را به ارث می بریم؛ همان دین کاملی که خداوند فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا». با شنیدن این سخنان، چهره هشام دگرگون شد و سوالات و اشکال های متعددی را مطرح کرد و امام (ع) پاسخ داد.

*با توجه به شرایط خاص دوره حیات امام محمدباقر (ع) و انحرافات فکری که در جامعه ایجاد شده بود، آن حضرت چه مواجهه ای با این انحرافات داشت؟

آن امام همام اقدامات فرهنگی متعددی داشت و در عین حال از بُعد علمی نسبت به آگاه سازی جامعه مبادرت ورزید که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می کنم:

۱- مبارزه با قدریّه و جبریّه

از جمله مسائل بحث انگیز اعتقادی که از دیرباز ذهن اندیشمندان را به پرسش های مختلف بر می انگیخت، مسأله جبر و اختیار است. دور ماندگان از مکتب اهل بیت (ع) به دلیل عدم آشنایی کامل با منطق وحی و عدم تسلط بر مجموعه آیات قرآن (که ظاهر دسته ای موهیم جبر و ظاهر دسته دیگر، موهیم اختیار مطلق است) و ناآگاهی از شیوه جمع میان پیام های آن، گرفتار افراط و تفریط می شدند، گروهی به جبر گراییدند و دسته ای به اختیار کامل. گرچه این جریان فکری در عصر امام صادق (ع) اوج بیشتری داشت اما خیزش های آن در عصر امام باقر (ع) نمایان شد.

امام باقر (ع) در ردّ نظریّه جبر و اختیار مطلق می فرماید: «لطف و رحمت الهی به خلق، بیش از آن است که آنان را به انجام گناهان مجبور سازد، و سپس آنان را به خاطر کارهایی که به اجبار انجام داده اند عذاب کند. از سوی دیگر، خدا قاهرتر و نیرومندتر است که چیزی را اراده کند و تحقق نیابد. از آن حضرت سوال شد مگر میان جبر و اختیار، جایگاه سوّمی است؟ امام فرمودند: آری میان جبر و اختیار مجالس گسترده تر از فضای آسمان ها و زمین است .

۲- مبارزه با غالیان و دروغ پردازان

انحطاط اخلاقی و عقیدتی جامعه اسلامی در عصر خلفای جائر اموی پیامدهای زیان باری را به همراه داشت که از جمله دو پیامد افراط و تفریط در باورهای دینی بود. این دو آفت در حکومت امویان جامعه را به شدت رنج می داد. اگر در جامعه آن روز گروهی از مردم تحت تأثیر شرایط محیط و تبلیغات زهرآگین اموی اهل بیت (ع) تا آنجا از خاندان رسالت فاصله گرفته بودند که آنان را مورد ناسزاگویی قرار می دادند در مقابل، دسته ای از مردم به انگیزه های مختلف، در تعظیم مقام خاندان رسالت تا به دینا زیاد روی می کردند که امامان معصوم (ع) ناگزیر با آنان به مواجهه و مبارزه می پرداختند. عصر امام باقر (ع) از این امر مستثنی نبود.

امام باقر (ع) به عنوان هادی و رهبر شیعیان به مبارزه جدی با این تفکرات منحرف پرداختند و با ردّ اعتقادات و لعن و بیزارگی جستن از آنان، اندیشه صحیح اعتقادی را در این باره به شیعیان تعلیم دادند.

*اخلاقی علمی امام باقر (ع) در مجالس درس و بحث چه ویژگی هایی داشت؟

بعد از شخصیت عظیم الشان پیامبر (ص) منزلت علمی و نقش برجسته امام باقر (ع) در احیای دین بر هیچ rlm& کس پوشیده و مخفی نیست، دوست و rlm& دشمن rlm& همگی اذعان دارند که آن امام همام شکافنده علم بود، سخنان اهل rlm& سنت در این مورد بی شمارند که برای rlm& اختصار یک rlm& مورد را اشاره می کنم و خود حدیث مفصل بخوان از این rlm& مجمل.

شیخ مفید می نویسد: از هیچکدام از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) این اندازه از علم دین و آثار و rlm& سنت و علم قرآن و سیره rlm& و فنون ادب که از امام rlm& باقر (ع) صادر شده، ظاهر نشده است. rlm&

«ابن خلکان» از مشاهیر مورخین و قضات و علمای نامی قرن هفتم هجری در اصول اشعری و در rlm& فروع rlm& شافعی rlm& مذهب بود و کتاب «فرضیات الأعیان و ابناء الزمان» از اوست، ابن خلکان از متعصبین اهل سنت rlm& بوده، rlm& درباره امام باقر می نویسد: rlm& «ابوجعفر محمد بن زین العابدین … ملقب به «باقر» یکی از ائمه دوازده گانه در اعتقاد شیعه امامیه و rlm& پدر rlm& (امام) rlm& جعفر صادق علیه السلام می باشد و باقر عالم بزرگ و سید عظیمی بود و به این جهت به او rlm& «باقر» rlm& گفته rlm& می شد که علم را می شکافت و به آن توسعه می داد. rlm&

شاعر چنین سروده است:

یا باقر العلم لاهل الثقی و خیر من لّبی علی الاجیل

ای شکافنده علم برای پرهیزگاران و ای بهترین کسی که بر کوه های حجاز لبیک گفتی.

پیدایش مذاهب کلامی چون مُرجئه و معتزله و خوارج، و آشنایی مسلمانان با آراء ادیان دیگر، و حضور پراکنده پیروان سایر ادیان در میان مسلمانان، و ظهور اختلافات فقهی بر اثر عدم دسترسی فقهای متأخر به سنت نبوی به سبب ممنوعیت طولانی روایت و کتابت حدیث و انحرافات عملی و فکری سران سرزمین اسلامی از تعالیم پیامبر (ص) و توجیه حکومت امویان، از طریق ارائه ناقص و تحریف شده تعالیم اسلام، از مهم ترین وقایع دوران امام باقر (ع) بود.

گذشته از این، آن دسته از صحابه و تابعان که به پیروی از امام علی (ع) و جانشینان او معتقد بودند، یا به دست حاکمان اموی کشته شده یا بدون امکان انتقال دانسته های خود به نسل بعد درگذشته بودند.

این خلاء از یک سو راه هر نوع اقدام را برای امام باقر (ع) دشوار ساخته و از سوی دیگر راه را برای جاعلان حدیث و غالیان هموار کرده بود. مراقبت های پنهانی مأموران حکومت اموی از آل علی و امام باقر علیهم السلام، به فرد شاخص این خاندان، تهدیدی جدی برای تلاش های آن حضرت به شمار می رفت.

در این شرایط، امام باقر (ع) به عنوان عالمی که دانش خود را از طریق پدرانش از پیامبر (ص) دریافته، حلقه های درسی بزرگی را در مدینه تشکیل داد.

آن حضرت با این کار چهار هدف عمده را پی گرفت:

عرضه دیدگاه های اسلامی در همه زمینه ها، به ویژه درباره پرسش هایی که دانشمندان سایر ادیان مطرح می کردند؛ این مطالب هم سبب استواری ایمان پیروان دین می شد و هم غیرمسلمانان را به برتری اسلام معترف می کرد.

امام باقر (ع) با هر یک از پیروان عقاید گوناگون (اهل الآراء) که بر او وارد می شد، مناظره می کرد و مردم مطالب بسیاری را در علم کلام از او فرا گرفتند

بنا بر نقل مرحوم شیخ مفید، امام باقر (ع) با هر یک از پیروان عقاید گوناگون (اهل الآراء) که بر او وارد می شد، مناظره می کرد و مردم مطالب بسیاری را در علم کلام از او فرا گرفتند.

اشاره به «اهل آرا» در کلام مفید حائز اهمیت است. در روزگار امام باقر (ع) گرایش ها و مذاهب مختلف کلامی پدید آمد و نیز پیروان ادیان دیگر در سرزمین های اسلامی زندگی می کردند و میان ایشان و مسلمانان برخوردهای فکری روی می داد.

بدین طریق، پرسش ها و بحث های کلامی مطرح می شد و حضرت باقر (ع) گذشته از مقام امامت و زعامت شیعیان، به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ زمان خود، که همه دانشمندان اسلامی به برتری علمی او معترف بودند، به پرسش ها پاسخ می گفت و در بحث ها شرکت می جست.

به همین دلیل، موضوع بسیاری از احتجاجات آن حضرت و نیز احادیثی که از ایشان روایت شده، مسائل کلامی است و آن چه امام در این باره فرموده، هم اساس اعتقادات شیعه را تشکیل می دهد و هم در دیدگاه های کلامی مسلمانان اثر جدی داشته است.

۲. روشن گری درباره انحرافات

روشن گری نسبت به اشتباهات و انحرافات فقهی و کلامی و تفسیری و تاریخی و اخلاقی که یا وابستگان حکومت اموی آن را پدید آورده بودند و یا از عدم اتصال به سنت نبوی ناشی می شد. بنابراین، بیشتر مطالب امام باقر (ع) به ابوابی از علوم اسلامی اختصاص یافته که در جامعه اسلامی به صورت نادرست عرضه و به کار بسته می شده است.

بر همین اساس، گفته شده که شمار زیادی از روایات منقول از امام باقر (ع) و نیز سایر امامان شیعه، در حکم تعلیقه یا نقد فقه و کلام و سایر علوم اسلامی متداول در روزگار آنان بوده است، به طوری که در موارد زیادی فهم درست بیانات این امامان بدون آگاهی از نظریات سایر مذاهب اسلامی تا حدی دشوار است.

۳. گشایش ابواب علمی غیرمطرح

گشایش ابوابی از معرفت دینی که حاکمان آن روز جامعه اسلامی از طرح آن ها جلوگیری کرده بودند و آگاهی مردم از آن ها سلطه نظام حاکم سیاسی را متزلزل می کرد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امویان مردم را در آموزش مباحث ایمان آزاد گذاشتند، اما فراگیری آن چه را به شرک بر می گشت منع کردند، تا اگر مردم را به کارهای شرک آمیز وادارند (ناروایی) آن را در نیابند.

به نظر می رسد که وجود همین تعالیم، علاوه بر بیانات صریحی که رویارویی با حکام و وابستگان آن ها را توصیه می کرده، یکی از مهم ترین عوامل مقاومت روانی پیروان این مذهب در برابر جریانات سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی بوده باشد.

۴. پرورش دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه های امام باقر (ع)، و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت، و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، و نیز نفی گرایش های غلو آمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بیزاری از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سماعان (هر دو مقتول در ۱۱۹ ق) جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می رود.

آن حضرت برای دست یابی به هدف ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می دید، گذشته از برپایی حلقه های متعدد

درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فِرَق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت. آن حضرت هم چنین از مراسم حج برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می برد.

شماری از مناظرات آن امام همام از سوی مجلسی، احمد بن علی طبرسی و امین گردآوری شده است. اگر بخواهیم برخی مناظرات مشهور آن حضرت را معرفی کنیم می توان به مناظره با پیشوای مسیحیان شام، قتاده بن دعامه (فقیه بزرگ بصره)، بزرگان کیسانیه، عمر بن دَرّ قاضی، نافع مولی ابن عمر و مهم ترین راوی سخنان وی طاوس الیمانی و محمد بن مُنکدر از زهاد و تارکین دنیا، ابوحنیفه یکی از ائمه اهل سنت و عبدالله بن نافع ازرق از مدافعان تفکر خوارج اشاره داشت.